

چرا یحیی سنوار سال‌های زندان را به تألیف و ترجمه گذراند؟

نوشتن همچون مبارزه

علی باقریان



پس از گذشت نزدیک به شانزده ماه از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و آغاز «طوفان الأقصى»، سرانجام، چند روز پیش، طرفین درگیر به آتش بس رضا دادند و بدین ترتیب، دست‌کم در ظاهر- فصلی دیگر از منازعات فلسطینیان و اشغالگران به پایان رسید. چنان‌که گفته‌اند و شنیده‌اید، طراح و مجری نبرد فرجامین گوشه‌نشینان غزه یحیی سنوار بود، مبارزی بزرگ که پس از شهادت در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۴، درست سیزده سال بعد رهایی‌اش از بند اسرائیل- بیش‌ازپیش شناخته شد. از آنچه در ایام اخیر از سنوار دریافته‌ایم، آنچه او در تألیف و ترجمه انجام داده است برای این صفحه مهم‌تر می‌نماید. پرداختن به آثار مکتوب این مبارز فلسطینی در درک بهتر آنچه گذشت نیز یاری‌رسان خواهد بود. از همین رو، هم‌زمان با «روز ملی غزه»، به یاری منابع عربی، این آثار را یک‌بار با شتاب از نظر گذرانده‌ایم.

یحیی سنوار، رئیس فقید «جنبش مقاومت اسلامی» (حماس)، چندین بار در نوار غزه دستگیر شد. تا بار آخر، سال ۱۹۸۸، که اشغالگران به چهاربار حبس‌آید محکومش کردند. با این همه، او، سال ۲۰۱۱، در جریان تبادل اسرا و در چارچوب توافق «وفاء الاحرار»، آزاد شد. اما زندگی این رهبر جنبه‌ای دارد که هنوز بسیاری از آن آگاه نیستند، او، در طول ۲۳ سال حبس خود، چندین کتاب تألیف و ترجمه کرد و از این طریق خدمت به آرمان فلسطین را ادامه داد. سنوار چهار اثر را از عربی به عربی برگردانده و چهار کتاب نیز تألیف کرده است. این مبارز فلسطینی، که مدرک کارشناسی زبان عربی داشت، در زندان، بخشی از وقت خود را صرف مطالعه و یادگیری زبان عبری کرد و، بدین ترتیب، توانست اخبار عبری را پی بگیرد و بسیاری از مطالعات امنیتی افسران امنیتی و سیاست‌مداران رژیم اشغالگر را بخواند و ترجمه کند.

ترجمه‌ها و تألیفات

یکی از کتاب‌هایی که سنوار ترجمه کرده است کتاب «احزاب اسرائیلی» است که در سال ۱۹۹۲ منتشر شد. این کتاب درباره اختلافات جریان‌های سیاسی اسرائیل است که احزاب آن‌ها را نمایندگی می‌کنند. «احزاب اسرائیلی»، به‌ویژه، برنامه‌ها و گرایش‌های آن‌ها در سال‌های آغازین دهه ۹۰ را تشریح و تبیین می‌کند.

توجه سنوار به کتابی این چنین در اعتقاد او به اهمیت شناخت فضای داخلی اسرائیل و نقش احزاب سیاسی در شکل‌دهی و اتخاذ تصمیمات



نیز دارد که شرح عملیات آزادسازی یک اسیر زندانی (= اشراف البعلوجی) در شهر اشغالی یافاست. این کتاب تلاشی است در راستای مستندسازی یکی از عملیات‌های مقاومت که نویسنده، در یکی از فصل‌ها، به نقش احمد یاسین در پیشبرد آن اشاره کرده و او را چون قهرمانی افسانه‌ای ستوده است.

از دیگر تألیفات سنوار کتاب «مجد» است، مطالعه‌ای نو درباره عملکرد «شاپاک» که در سال ۲۰۱۰ انتشار یافت. نویسنده، در این کتاب، شیوه سال ۱۹۸۷، زمانی که ۲۵ سال داشت، به دستور احمد یاسین تشکیل داد. این سازمان مسئول مجازات کسانی بود که مرتکب جرائم اخلاقی شده بودند. اما مهم‌تر از این، تعقیب و نابودی کسانی را که مظنون به همکاری با اسرائیل بودند نیز برعهده داشت.

تألیف دیگر سنوار یک مطالعه انتقادی درون سازمانی درباره جنبش حماس است تحت عنوان «حماس: تجربه و خطا». این مطالعه بعداً، در سال ۲۰۱۷، زمانی که او به ریاست جنبش در غزه رسید، دست‌گیر شد. سنوار توانست حماس را از درون بازسازی و دوباره سازمان‌دهی کند و ارتباط بین شاخه نظامی و دفتر سیاسی را شکل دهد.

منابع، وبگاه‌های «الجزیره»، و «العالم» و «الوطن»

در بطن این مبارزه پرداخته است. این رمان خواننده را به مناطق و خیابان‌های فلسطینی نشین می‌برد و آنچه را او کمتر دیده یا شنیده است، از جمله زندگی اجتماعی مردم و فقر و کمبود خدمات، شرح می‌دهد. سنوار، خود، در مقدمه‌اش بر این اثر می‌نویسد که جز برخی عناصر که برای سازمان‌دهی رمان به آن وارد کرده است، همه جزئیات این اثر واقعیت دارد.

سنوار اثر روایی دیگری



مروری بر کتاب «خاطرات بغداد: روایت یک زن از جنگ و تبعید»، نوشته نُه‌ا الراضی

اشتباه اول از خود ما بود، اما...

که این چنین کشور و مردمش را به سمت دره می‌برد و هم نسبت به لشکرکشی آمریکا و بمباران هایش که مردم عادی را زجر می‌دهد و می‌کشد، راضیه خشنود، مترجم «خاطرات بغداد»، نیز، در مقدمه‌اش بر این اثر، از احساس آشنابرداری ای که هنگام ترجمه کتاب داشته گفته است:

«نِها الراضی یکی از ماست، ما مردم عادی که مرگ خودمان و کودکانمان در هر جنگی با تعابیری چون 'تلفات جانبی' تو جویه شده است و خواهد شد، ما مردم عادی خاورمیانه که می‌دانیم در هر جنگی که میان غرب و شرق درگیرید، خون بچه‌های 'آن‌ها' از خون بچه‌های ما رنگین‌تر و جانشان از جان بچه‌های ما عزیزتر خواهد بود. نِها تحلیل سیاسی نمی‌کند، از سیاست جنگ و تحریم چیزی نمی‌داند، تنها به زبانی گاه طنز و گاه تلخ مصائب جنگ و تحریم را شرح می‌دهد، از حطی و کمبود دارو و قطعی آب و برق و صف‌های طولیل بنزین جیره‌ای گرفته تا ویرانی زیرساخت‌های کشور و اینه تاریخی و آثار باستانی و-از همه مهم‌تر- مرگ، مرگ بی‌شمار انسان بی‌گناه بیزار از جنگ و سیاست و قربانی حماقت و سیاست جنگ طلبان و جنگ‌افروزان، او بر هم‌وطنانش دل می‌سوزاند و، هم‌زمان، از واپس ماندگی و ساده‌لوحی‌شان می‌نالد.»

برشی از کتاب

«از وقتی فهمیدم‌ام همه دنیا از ما بیزارند و می‌خواهند سر به تمنان نباشد، افسرده شده‌ام. هر کسی باشد داش می‌گیرد، واقعا انصاف نیست بقیه کشورها هم اشتباه می‌کنند، مثلاً کاری که روسیه در افغانستان کرد، یا حمله ترکیه به قبرس، یا حمله اسرائیل به فلسطین و لبنان. اما کسی این طور بی‌حساب و کتاب آن کشورها را بمباران نکرد. آن‌ها هیچ تقاصی پس ندادند. [...] ما بدنام شده‌ایم.» «خاطرات بغداد، روایت یک زن از جنگ و تبعید»، نوشته نُه‌ا الراضی، ترجمه راضیه خشنود، نشر ماهی، ۲۲۳ صفحه، ۲۲۰ هزار تومان.

دوگانه نیست؟!

نویسنده، که در دل جنگ است، اخبار مربوط به آن را نیز رصد می‌کند و اطمینان می‌دهد که مردم آمریکا از دهشت واقعی آنچه در عراق می‌گذرد و نیز آنچه مقامات آمریکایی مسبب آن هستند هیچ اطلاعی ندارند. تصویری که به آن‌ها ارائه می‌شود تصویری پاستوریزه و فیلترشده از جنگ است. او به مردم کشورهای دور اطمینان می‌دهد که اگر تلویزیون‌شان را خاموش کنند، هیچ چیزی از دست نمی‌دهند، چون واقعیت بسیار متفاوت است با چیزی که به آن‌ها عرضه می‌شود.

نویسنده جلای وطن می‌کند، ولی ترک کشور و دورشدن از مهلکه بر دوش نِها الراضی و دیگرانی مانند او باری دیگر می‌گذارد، آن‌ها، پس از مهاجرت، با مسئله بی‌هویتی مواجه می‌شوند.

هیچ مجوز اقامت یا ویزای از هیچ کشور در صلیح وثباتی نمی‌تواند به ایشان حس هویت‌مدی بدهد. گم‌شدگی و بیگانگی از زخم‌های نهان جنگ است.

یکی مثل ما مردم عادی خاورمیانه

واقع‌گرایی نُه‌ا الراضی سبب می‌شود خواننده حین خواندن اثر او احساسات منفی متعارضی را تجربه کند، هم‌نسبت به دیکتاتوری

دیگر باورش شد ویرانی قطعی است؛ «خیال می‌کردم در این دوره و زمانه رهبران کشورها دیگر آن قدر بچه

یا ابله نیستند که بخواهند مشکلی را با جنگ حل کنند.» درواقع، خلق «خاطرات بغداد، روایت یک زن از جنگ و تبعید»، حاصل پایان آن خوش‌باوری است. او شروع کرد به نوشتن خاطرات روزانه خود در دوران حوادثی که معروف شد به «جنگ خلیج فارس». این درگیری، بیشتر از جنگ، شبیه یک بمباران یک طرفه بود. نیروهای ایالات متحده چندان نیازی نداشتند که درگیر نبردهای مستقیم شوند، از راه دور یا ارتفاع بالا می‌گویند و قربانی می‌گرفتند. نُه‌ا الراضی در خاطرات روزانه‌اش از ابعاد مختلف فجایع این جنگ می‌گوید

و گشتار بی‌گناهان یکی از وخامت‌واضع بهداشت و شیوع بیماری‌هایی مانند سرطان و بروز ناهنجاری در نوزادان، ورشد جرم و جنایت هم از عوارض این جنگ بود. نُه‌ا الراضی، با تکرار سخنان خانم بوش در جمع کودکان آمریکایی که به آن‌ها اطمینان می‌دهد جنگ خیلی ازشان دور است و هیچ خطری تهدیدشان نمی‌کند، به کودکان عراقی اشاره می‌کند و می‌گوید که پس بچه‌های عراقی چه؛ این بی‌عدالتی و نفاق و استناد

عراق رخ داد که باز سلسله جنبان جنایاتی دیگر شد.

جنگ، پاسخ به اشتباه یا اشتباهی بزرگ‌تر

بسیاری حمله آمریکا به عراق را باور نداشتند، از جمله نُه‌ا الراضی که به‌ضرس قاطع به خبرنگار «بی‌بی‌سی» گفته بود جنگ نمی‌شود. او می‌دانست عراقی‌ها «فرشته» نیستند و «اولین خطا» از خود آن‌ها سر زده است. اما فکر می‌کرد حمله آمریکا به کشورش تلافی اشتباه صدام با اشتباهی بزرگ‌تر است. اشتباه می‌کرد. ۱۷ ژانویه سال ۱۹۹۱ آن «لحظه بزرگ»، یعنی لحظه شروع جنگ، در واقعیت رخ داد: آمریکا به عراق حمله کرد، برای دفع دیوانگی دیکتاتور و البته حفظ منافع خودش. اما، چنان‌که در جنگ‌های دیگر، این مردم عادی بودند که با جان و مالشان هزینه می‌دادند، چیزی که پروپاگاندا ی آمریکایی آن را کتمان می‌کرد یا ناچیز نشان می‌داد. نُه‌ا الراضی این رفتار متناقض مقامات آمریکایی را به‌ریشخند گرفت و نوشت: «[آمریکا] می‌گوید هیچ خصومتی با مردم عراق ندارد. یعنی نمی‌داند یا نمی‌فهمد که اتفاقاً فقط 'مردم' عراق از جنگ آسیب دیدند؟! حق با نِها بود؛ 'مردم' می‌مردند. همان‌طور که او به خوبی یادآوری می‌کند، حتی اگر بوش پدر اعلام می‌کرد که هیچ دشمنی‌ای با مردم عراق ندارد، به‌هرحال به طور مداوم بر سر آن‌ها بمب می‌ریخت. نِها الراضی هنرمند تجسمی بود؛ سفالگر و نقاش و مجسمه‌ساز، نویسنده نبود (او این را در همان ابتدای کتاب «خاطرات بغداد» یادآور می‌شود). جنگ او را واراد به نوشتن کرد، از روز سوم، که

بخش رقابتی «آثار» و «موضوعی» و یک بخش ویژه برگزار می‌شود و در این باره توضیح داد: «بخش رقابتی 'آثار' در ۱۰ قالب مقاله و سرمقاله و یادداشت، عکس (خبری و غیرخبری)، خبر، گزارش (خبری و تحقیقی)، مصاحبه، تیتراژ، طرحی و صفحه‌آرایی، طنز، مکتوب، طرح و کاریکاتور و گزارش ویدئویی برگزار می‌شود.» «آثار و شهادت»، او «جیش تولید با مشارکت مردم»، «آسیب‌های «جبهه مقاومت»، «ناترازی انرژ»، «آسیب‌های اجتماعی»، «ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی» و « جوانی جمعیت » را نیز هفت محور بخش رقابتی «موضوعی» جشنواره اعلام کرد و در پایان سخنان خود توضیح داد که «جهان شهر مشهدالرضا»، اولویت‌ها و چالش‌ها، به‌عنوان بخش ویژه دومین جشنواره مطبوعات، خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های خبری خراسان رضوی تعریف شده است.

رسانه‌ای و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همکاری و پیگیری ویژه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان برگزار می‌شود.» «کمک به توسعه فضای رسانه‌ای و تقویت جایگاه مطبوعات و رسانه‌های استان، افزایش رقابت مؤثر و سازنده در تعالی و توسعه محتوایی رسانه‌های استان، کمک به ارتقای کمی و کیفی آثار تولیدی در رسانه‌های محلی، ایجاد زمینه پویایی و نشاط رسانه‌ای و فضای رقابتی سالم و مطلوب در میان فعالان رسانه‌ای استان، و تقدیر از روزنامه‌نگاران و فعالان برتر رسانه‌ای استان، و تبلیغاتی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی در این باره توضیح داد؛ «جشنواره مطبوعات، پس از وقفه‌ای هشت ساله، امسال، به‌همت خانه مطبوعات و رسانه‌های خراسان رضوی، و پس از برنامه‌ریزی‌های متعدد و پیگیری‌های مستمر، با حمایت معاونت امور

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، طی مراسمی، از پوستر دومین جشنواره مطبوعات، خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های خبری خراسان رضوی رونمایی کرد. در این مراسم، غلامحسین مظفری (استاندار خراسان رضوی)، حسین مسگرانی (مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان) و جمعی از پیشکسوتان رسانه و اهالی فرهنگ و هنر مشهد نیز حضور داشتند.

در این مراسم، محسن سمیع، معاون امور رسانه‌ای و تبلیغاتی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی در این باره توضیح داد؛ «جشنواره مطبوعات، پس از وقفه‌ای هشت ساله، امسال، به‌همت خانه مطبوعات و رسانه‌های خراسان رضوی، و پس از برنامه‌ریزی‌های متعدد و پیگیری‌های مستمر، با حمایت معاونت امور

